



اصل و شرح

ورودی مهر یا بهمن ماه

آزمون سراسری دانشگاه‌ها در روزهای ۲۹ و ۳۰ مرداد ماه برگزار خواهد شد و مشخص نیست که نتیجه آن تا اول مهر

اعلام شود. واحدی در این باره گفت: «۲۰۰۰ سربازی احتمالی برای اعلام نتایج وجود دارد. در سناریوی نخست ممکن است نتایج تا حدود نیمه آبان ماه اعلام شود که در این صورت، مشابه سال‌های گذشته نیمیسال اول به صورت فشرده برای

دانشجویان جدید بر گزار خواهد شد. اما اگر اعلام نتایج به آذرماه موکول شود، عملاً امکان برگزاری نیمیسال اول برای دانشجویان جدید وجود نخواهد داشت و ورود این دانشجویان به دانشگاه‌ها تا نیمیسال دوم انجام می‌شود.

پیش دبستانی اجباری می‌شود

مهد کودک‌ها و پیش دبستانی‌های دولتی در مدت ۵ سال افزایش می‌یابند

از امسال پیش دبستانی‌های غیر مجاز را با ۲ روش می‌شود شناخت. روش اول نوشته شدن نام سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک روی تابلو پیش دبستانی و روش دوم ثبت نام کودک در سامانه «سیدا» است که قبلاً فقط مخصوص دانش آموزان بود. پیش دبستانی‌ها تا مدتی دیگر هم از نظر قانونی اجباری می‌شوند و هم همگی باید مجوز رسمی در یافت کنند؛ البته این کار زمانی انجام می‌گیرد که پیش دبستانی‌های دولتی به تعداد کافی ایجاد شده باشند، یعنی حدود ۵ سال دیگر.

جامعه امروز

از اولیا خواهش می‌کنیم که در پیش دبستانی‌های بدون مجوز ثبت نام نکنند تا بعداً دچار مشکل نشوند. الان هر کسی که در این حوزه فعالیت می‌کند ملزم است از سازمان تعلیم و تربیت مجوز دریافت کند و مجوزهای قبلی همه باطل هستند



اجباری شدن پیش دبستانی

دوره پیش دبستانی هنوز اجباری نیست اما در سال‌های آینده پیش دبستانی دوم، یعنی ۲ سال قبل از شروع مدرسه اجباری خواهد شد؛ البته چیزی به سال‌های تحصیل دیپلم اضافه نمی‌شود و نوجوانان همچنان در ۱۸ سالگی دیپلم می‌گیرند. بنا به اعلام سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، در طول ۵ سال به تدریج اجباری بودن پیش دبستانی اجرا می‌شود. اکنون مراکز پیش دبستانی ماهیت غیر دولتی دارند اما در این مدت با استفاده از مدرسی که بر اثر کاهش جمعیت دانش آموزی خالی می‌شوند، مراکز دولتی پیش دبستانی تأسیس می‌شوند، سرفصل‌های آموزشی و نظام ارزشیابی مهارت‌های رشدی و حرکتی شروع به کار می‌کند، انجمن اولیا و مربیان پیش دبستانی‌ها تشکیل می‌شود، مدرک پایان دوره پیش دبستانی صادر می‌شود و مثل مدارک تحصیلی پایان دوره ابتدایی و پایان دوره متوسطه در پرونده تحصیلی هر دانش آموز قرار خواهد گرفت.

شکایت به آموزش و پرورش

رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک در پاسخ به سؤال همشهری درباره اینکه اگر اولیا یا مهد کودک یا پیش دبستانی شکایت داشته باشند باید به کجا مراجعه کنند، گفت: «ادارات سازمان در استان‌ها شکل گرفته است و به شکایات رسیدگی می‌کنند. شکایات از بدون مجوزها اگر به دست رئیس اداره تعلیم و تربیت هر استان برسد، قانوناً برای جلوگیری از فعالیت واحد اقدام خواهد کرد.» حمیدرضا شیخ‌الاسلام تأکید کرد: «از اولیا خواهش می‌کنیم که در پیش دبستانی‌های بدون مجوز ثبت نام نکنند تا بعداً دچار مشکل نشوند. الان هر کسی که در این حوزه فعالیت می‌کند ملزم است از سازمان تعلیم و تربیت مجوز دریافت کند و مجوزهای قبلی همه باطل هستند.» قبل از تأسیس سازمان تعلیم و تربیت کودک در سال ۱۴۰۰، حدود ۱۶۰۰ مرکز، متولی دوره پیش دبستانی بودند اما از این سال این سازمان زیر مجموعه آموزش و پرورش مسئول سازماندهی مرکزی شد که کودکان زیر سن مدرسه به آنها راه پیدا می‌کنند.

آمار دانشجویان کشور نزولی است

گفت‌وگو با معاون آموزشی وزارت علوم



سال ۹۴
۴ میلیون و
۸۰۰ هزار نفر
دانشجو

کمترین دانشجویان در سال ۱۴۰۰

کاهش تعداد دانشجویان از سال‌های دهه ۹۰ آغاز شد و با بعضی نوسان‌ها همچنان ادامه پیدا کرده تا جایی که اکنون به نسبت ۱۰ سال قبل بیشتر از یک میلیون نفر از مجموع دانشجویان در حال تحصیل کاسته شده است. ابوالفضل واحدی، معاون آموزشی وزارت علوم در این باره به همشهری گفت: «در آمار سال ۹۴ تعداد دانشجویان ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود؛ البته نوسان‌هایی داشته و در سال ۱۴۰۰ به حداقل خود یعنی ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسید و پس از آن اندکی افزایش داشت. در آخرین محاسبه قطعی که مربوط به سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ است، ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر دانشجویان ششمار شد که کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد.» او در تشریح تغییر گرایش نسل جوان به کسب مدرک دانشگاهی تأکید کرد: «قبلاً توسعه تعداد رشته‌ها بیشتر عرضه محور بوده و به ظرفیت کلاس و تعداد هیأت علمی بستگی داشته است؛ در نتیجه به این نقطه رسیده‌ایم که رشته‌هایی داریم که بیش از ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلانش بیکار هستند و در سطح جامعه از هر ۱۰ بیکار، ۴ نفر دارای مدرک دانشگاهی هستند.» در حال حاضر، ۲ میلیون دانشجوی در مقطع کارشناسی، ۴۵۰ هزار نفر در کاردانی، ۵۰۰ هزار نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۴۰ هزار نفر در مقطع دکتری مشغول تحصیل هستند. بررسی شرکت کنندگان در کنکور هم حاکی از کاهش داوطلبان شرکت کننده در رشته‌های ریاضی و تجربی به نسبت داوطلبان رشته‌های انسانی است.

سال ۱۴۰۳
۳ میلیون و
۴۰۰ هزار نفر
دانشجو



محمد سرابی | روزنامه‌نگار | تأثیر کاهش جمعیت در آمار و ارقام مدارس و دانشگاه‌ها مشهود است.

تعداد دانشجویان در حال کمتر شدن است و برخی رشته‌ها که قبلاً مورد توجه بودند این روزها دیگر متقاضی ندارند. مجازی شدن کلاس‌ها و قطعی اینترنت باعث افت کیفیت آموزش شده و همه اینها باعث شده که وضعیت مراکز آموزش عالی با یک یا دو دهه قبل تفاوت چشمگیری داشته باشد. معاون آموزشی وزارت علوم همشهری پاسخ داد.

قطعی اینترنت و کاهش رتبه

بخشی از سخنان ابوالفضل واحدی به تشریح آسیب‌هایی اختصاص داشت که قطعی اینترنت در دانشگاه‌ها وارد کرد. او در پاسخ به سؤال خبرنگار همشهری گفت: «آموزش عالی برای ادامه فعالیت، نیازمند اینترنت است. در همان شروع جنگ هم دانشجویان بین الملل دچار مشکل شدند. چند هزار مقاله که تولید شده بود و می‌توانست رتبه علمی ما را بیشتر کند، فرصت ثبت را از دست داد. در آینده هم باید آماده باشیم که اگر دچار چالش شدیم، مسیر دانشگاه‌ها برای ارتباط با اینترنت جهانی را باز نگه داریم.» معاون آموزش وزارت علوم گفت: «رتبه جهانی دانشگاه‌ها ماقبل از ۱۴۰۰ و در سال گذشته ۱۵ بوده اما امسال به دلیل قطعی اینترنت، تحریم‌ها، نبود امکانات آزمایشگاهی و مشکلات دیگر به ۱۸ رسید. تمام این کاهش رتبه جهانی ناشی از قطعی اینترنت نیست اما اگر اینترنت وصل بود می‌توانستیم تا حدی جلوی آن را بگیریم.»

مربی در این وبینار به باقی حضار هم پیشنهاد می‌کند که برای پیشرفت در کارشان، حتماً دورهای سراغ گدایی بروند؛ موضوعی که با واکنش منفی بسیاری شبکه‌های اجتماعی همراه شد.

تبدیل شد که یک زن موفقیت خود را در فروش، مربوط به نسخه بیچی عربی برای تمرین گدایی می‌داند. «من رتقم گدایی، کاری که گفتید رو انجام دادم، ۸ میلیون هم جمع کردم. هم روحیه‌ام تغییر کرد، هم فرستم.»

این روزها برخی آموزش‌ها و اردوهای عجیبی شده‌اند؛ در دست ماندن و دیدنوی یک وبینار آموزشی که در آن پیش شرط فروشندهی در دست، گدایی است. ویدئوی این وبینار در حالی به یکی از ویدئوهای پربازدید روز

آموزش فروشندهی با گدایی



تجربیش؛ ساعت شوم

باز خوانی همشهری از حمله موشکی اسرائیل به میدان تجربیش در سالگرد جنگ ۱۲ روزه و روایت مردمی که شاهد این جنایت بودند



مکتب غروب در تقاطع جنگ

یکی از خودروهای منتظر پشت چراغ قرمز چهارراه، ۲۰۶ سفیدی بود که نیمی از آن با انفجار دوم به پشت بام ساختمان شهرداری پرت شد و نیم دیگرش مانند ۴۰۳ خودرویی که جلوتر بودند، تا عمق ۶ متری زمین فرو رفت. ماهان، کارگر سوپرمارکتی همان حوالی می‌گوید: «معمق آب وسط چهارراه به طوری بود که اگر می‌خواستی بری کمک، باید شنا می‌کردی.» او همراه چند همکارش، در آنجا ماند و سعی کرد از آمبولانس به بیمارستان شهیدان تجربیش رساند؛ «بیمارستان در وضعیت آماده‌باش بود. پرستار داد می‌زدن بیماری که شرایط خاص ندارند فعلاً برن... هول و ولایی بود اون روز». حمید، دست‌فروش است و بساطش پر از انواع کلیس و کفش مو، «همین جا بساط کرده بودم؛ نزدیک ورودی ایستگاه متروی تجربیش... موشک دوم رو که زدن پرت شد چند متر عقب و سرم خورد به جدولی یا چیز دیگه‌ای... بساطم گم و گور شد. خدا لعنتشون کنه که هنوزم دست از سرمون برنداشتن.» تا غروب همان روز، گوشه‌ای از پیاده‌رو نشسته بود و غصه می‌خورد: «غصه خودم، غصه مردم...» توان رام رفتن نداشت. دست آخر هم، گلناز و اسماعیل (همسر و برادر همسرش) با موتور آمدند و سراغش. این همان وقتی بود که هوا تاریک شده بود و پیکرها و مجروحان جمع‌آوری و سامان گرفته بودند و کارگران نیز مشغول آواربرداری، جمعیت، در حال کم شدن بودند.



سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | ۲۶ روز پیش، گزارش

جنگ ۱۲ روزه آغاز شد؛ بمباد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴. هنوز نبودن آنهایی که در ۲۴ روز رفتند، در دل‌ها آرام نشده بود که جنگی دیگر شروع شد. زخم‌های جنگ ۱۲ روزه کم نیست، اما زخمی که در ساعت حدود ۱۵ و ۲۰ دقیقه ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ ابر حوالی میدان تجربیش و چهارراه قدس ماند، یکی از دردناک‌ترین‌ها بود. رانندگان پشت چراغ قرمز منتظر بودند، سیدمحمد، دور و بر را نگاه می‌کرد و یکسره «نیاوران، نیاوران، حرکت» می‌گفت... عباس سبزی‌فروش، همان جیب‌باز همیشگی گوشه‌ای از پیاده‌روی بساط پهن کرده بود و اسفنج‌های تر و تازه می‌فروخت، چند رهگذر در حال عبور بودند؛ یک زن باردار، یک مرد میانسال و یک پسر نوجوان ناگهان ساختمانی همان نزدیکی چهارراه با موشک منفجر شد. موشک دوم هم چند ثانیه بعد، موج و ترکش‌های انفجار چهارراه قدس تا شعاع ۱۰۰ متری اطراف رفت. آثار همه آن موج و ترکش‌ها به‌ترتیب از فاصله نزدیک تا دور، اینها بودند؛ تخریب کامل یک ساختمان، آتش‌سوزی چند بنا، شهادت ۱۲ نفر، جراحات ۱۱ نفر، آسیب (۴۰ تا ۱۰۰ درصدی) به بیش از ۲۰ خودرو، کشته شدن ۱۳ اصله درخت، از بین رفتن بخشی از تأسیسات زیرساختی آب و فاضلاب شهری و ریختن شیشه بسیاری از پنجره‌ها. فرصت بین انفجار کم بود؛ فقط چند ثانیه. برای همین تا دل‌ها از هول و هراس و گوش‌ها از سوت انفجار اول بیفتند، انفجار دوم بیشتر در شوک فرو بردشان. سیدمحمد، هنوز برآیدش را از مسافران خط تجربیش-نیاوران پر نکرده بود که ۲ ترکش تیز بین کتف راست و چپش جانش کزد؛ «همه چیز یهو اتفاق افتاد... خیلی به اون لحظه فکر می‌کنم ولی جزئیات زیادی یادم نمی‌آید. فقط صدای بووم‌بووم شنیدم و بعد همش دود دیدم...» آن روز، پراید هم اسقاط شد. حالا اما با خسارتی که از دولت گرفته، یک تاکسی نونوار قسطی خریده است. داود هم راننده همان خط تاکسی است؛ «زمان انفجار تازه مسافر زده بودم و نزدیکای سه‌راه عمار می‌رودم. صدای ترکیدن اومد و زمین لرزید...» داود خدا را شکر می‌کند از خلوتی ایستگاه تاکسی: «زمان حمله از ۲۰، ۲۳ راننده تاکسی این خط، به جز سیدمحمد شاید ۵، ۶ راننده دیگه هم سر خط و ایستاده بودن.» به ضلع جنوب چهارراه نیز اشاره می‌کند: «کمتر از ۱۰ راننده هم توی اون ایستگاه (۴ خط تاکسی یا ۱۰ راننده) بودن...»

سبزی‌فروشی که دیگر نیست

هنوز رد سببایی انفجار موشک‌های ۲۵ خرداد به نمای تعدادی از ساختمان‌های حوالی چهارراه مانده؛ مغازه عطاری و داروخانه‌ای که آن روز همه قرص و شربت و دواهایشان در دایره ساختمانی شهرداری، پیاده‌روی ابتدای خیابان باهر خالی است. ماندان سبزی‌فروشی، فروشنده پوشاک در مغازه‌ای کمی دورتر از چهارراه، این را می‌گوید: «خیلی سال بود عباس آقا اونجا سبزی و صیفی می‌فروخت. به نظر ۴۰ ساله می‌موند. من ندیدم ولی همکارم می‌گن بعد از انفجار موشک دوم چیز زیادی از خودش و بساطش نمونه بود...» خدارحمش کنه! یادش هست، یک روز میز پیشخوان مغازه پناه گرفته بود؛ «واقعا وحشتناک بود... توی به لحظه حتی اگه از انفجار نمری، هزار تالاسرت می‌آید بند دلت پاره می‌شه، مغزت از کار میفته، گوشات سوت می‌کش، شجاعت هم یا چنانه می‌بینی یا سیاهی...» از همان روز سردرد، ماندان را رها نکرده و هرازگاهی ی‌گی از شقیقه‌چپ تا ملاح سرش ساعت‌ها تیر می‌کشد.

بایی که زیر آسفالت جا ماند
حالا چند روزی است که نماد یادبود ۱۲ شهید حمله موشکی به تجربیش، جایی در یکی از لچکی‌های (فضای مثلثی کوچک) چهارراه نمایان است؛ سازه‌ای فلزی، به شکل موشک که نام ۱۲ شهید بر بدنه آن حک شده و چند پرده کوچک نیز بر فرازش پرواز می‌کنند. سازه یادبود، روی یکی از تکه‌های بزرگ آسفالت که زمان اصابت موشک از کف چهارراه کنده و پرت شده، نصب است. مرضیه دانایی هر بار که سازه را می‌بیند، خاطره‌های قطع شده یک عابر و زتش که غروب همان روز آمده بود بی پای شش‌هفت تابلوگه دکنتر آن را بیوند بزند، برایش زنده می‌شود. مرضیه از کارکنان شهرداری منطقه یک است که ساختمان آن در چند قدمی چهارراه قدس قد کشیده: «ساعت کاری منوم شده بود و بوش بوش می‌خواستیم برم که حمله شد. صدای انفجار موشک اونقدر قوی بود که انگار زلزله ۷ ریشتری زمین رو تگون می‌داد یا به گردباد شدید که می‌خواست آدم رو جا به جا کنه.» همراه همکارانش به کمک مردم رفت: «همه جا آب بود و گل و چنار. مردم میانسالی رو دیدم که پای راستش از زانو قطع شده بود... از پای قطع شده هم که زیر به تیکه بزرگ آسفالت بود، خون میومد... زای از اون زن باردار که شکمش له شده بود...»